



## توسعه پایدار، تاب آوری و کارکرد شبکه آموزشی - پژوهشی کرسی های یونسکو

حمید نظری

### رییس کرسی یونسکو در مخاطرات زمین شناختی ساحلی

هدف سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) تقویت صلح، امنیت و توسعه پایدار با تکیه بر همکاری های بین المللی است. مفهوم توسعه پایدار که برای نخستین بار در سال ۱۷۱۳ در حفاظت و نگاهداشت جنگل ها و منابع چوبی استفاده شد، کمی دیرتر در پایان همان سده، از منظر اجتماعی در بررسی مخاطرات برآمده از رشد افسارگسیخته جمعیت بکارگرفته شد. بر خلاف بیش از دو سده پیشینه، مفهوم "پایداری" تنها در نیمه دوم قرن بیستم وارد گفتمان عمومی و جنبش های اجتماعی آن هم در پیوند با مسایل و مشکلات روز افزون محیط زیستی در روزگار بازسازی و آرایش نوین فناوری - صنعتی ناشی از جنگ سرد شد. آنچه که سرانجام، به آرامی ولی در شتابی کند برآمده از دهه ها اعتراض عمومی و لابی گری سیاسی در چارچوب "ایده توسعه پایدار" با به رسمیت شناخته شدن و قرار گرفتن در دستور کار سند جهانی توسعه پایدار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد به بار نشست.

در ابتدا جنبش های زیست محیطی به عنوان پاسخی به بهره برداری و تخریب فزاینده محیط زیست در غرب صنعتی که با رشد بالای اقتصادی همراه بودند پدیدار شد. تثبیت پایداری زیست محیطی در جریان اصلی گفتمان عمومی یکی از مهم ترین نتایج این جنبش بود. بعدها، با آشکار شدن پیامدهای توسعه انسانی، بحث های زیست محیطی پیرامون مفهوم ظرفیت و مرز های تاب آوری اکولوژیک زمین شکل گرفت. چنین مرزهایی به محدودیت های بحرانی اندازه جمعیت، آلودگی ها و مصرفی که یک سامانه اکولوژیکی می تواند از آن پشتیبانی کند، می پردازد. فراتر رفتن از چنین محدودیت هایی نه تنها به استفاده بیش از اندازه از منابع، بلکه به فروپاشی نهایی اکوسیستم منجر می شود. بر این پایه، مفهوم حفاظت از محیط زیست فراتر از واژه "حفاظت" گسترش یافته و اهدافی مانند کاهش کربن و رشد صفر یا رکود اقتصاد جهانی را در بر گرفت، که در طی دو دهه در میان مفاد پیمان جهانی آب و هوایی کیوتو در ۱۹۹۷، توافقنامه تغییر اقلیم و آب و هوای پاریس در ۲۰۱۵ و سرانجام در کنفرانس آب و هوایی گلاسکو در ۲۰۲۱ به بالندگی و اوج خود رسید.

مفهوم محدودیت ها و مرز های سیاره ای در پایداری و تاب آوری نمونه ای نوین از این موضوع است. پایداری در اینجا به عنوان توانایی ماندن در مرز محدودیت های ناگزیر در زمین بعنوان تنها زیستگاه شناخته شده انسان، از اقلیم، مخاطرات طبیعی، آب شیرین، ازن استراتوسفر، تنوع زیست کره، جریان های بیوشیمیایی و غیره تعریف می شود و بسیاری از پژوهش های اخیر در این رابطه بر درک پیامدهای بیش از حد و اقدامات انجام شده همساز با آن متمرکز شده است.

با این حال، نگاه محیط محور به پایداری نیز مورد انتقاد قرار می گیرد، زیرا تمرکز به نسبت انحصاری بر محیط زیست به طور ناخواسته مسائل زیست محیطی را در تضاد مستقیم با اولویت های دیگر، مانند توسعه اقتصادی یا اجتماعی قرار می دهد که می

تواند نگرانی انکار ناشدنی و چیره بر بیشتر اقتصادهای در حال توسعه باشد. حفاظت، یکی از بزرگترین نقاط ضعف یک مدل پایداری محیط زیست محور بشمار می رود که با گذشت زمان، تعارض در آن رخ می نماید، جایی که توسعه و رفاه اقتصادی در تقابل با محیط زیست قرار می گیرد! از این نگاه، بیراه نیست اگر برخی از قوانین بین المللی محیط زیست را تا حدی در برابر پیشرفت اجتماعی - اقتصادی بویژه برای کشورهای در حال توسعه ارزیابی نمود.

تلاش‌های بعدی برای اصلاح مفهوم توسعه پایدار با ادغام سایر حوزه‌ها، عمدتاً توسعه اجتماعی و اقتصادی، بر مدل تعارض غلبه کرد. در حالی که برخی رویکردها در درجه اول بر مسائل اجتماعی یا رابطه بین جامعه و محیط زیست متمرکز شده است، دیگران بر روابط بین مسائل اقتصادی و زیست محیطی تأکید می کنند. با گذشت زمان، این دیدگاه‌ها با تمرکز در پیرامون آنچه بر وابستگی متقابل بین نگرانی‌های محیطی، اجتماعی و اقتصادی تأکید داشت توسعه یافت که با پیچیدگی و در هم تنیدگی مفهوم پایداری با ده ها نشانگر محیطی، اقلیمی، جمعیتی، سیاسی و فرهنگی و ... نشان‌دهنده ویژگی‌های بافتی و فرهنگی منحصر به فردی است که نگرانی‌ها و نیازهای مناطق، شهرها، سازمان‌ها و زندگی افراد را شکل می دهد.

در حالی که بدیهی به نظر می رسد که بهترین راه برای دستیابی به اهداف پایداری از به هم آمیختن این ابعاد پیچیده پایداری است که همپوشانی دارند، ولی حتی بر خلاف رویکرد فعلی در بکارگیری یک ابتکار راهبردی فراگیر همچون اهداف توسعه هزاره، به طور نگران کننده ای همچنان، بیشتر موضوعات دانشگاهی در مورد مفهوم پایداری و تاب آوری ناهمگون و پراکنده باقی مانده است. مدل‌های ضمنی پایداری به گونه ای قابل توجه از نظر دامنه، تمرکز، کاربرد و نتایج در سه خوشه، نخست "فقر، گرسنگی و سلامت" که با پروژه های اجتماعی، هنجاری، ایدئولوژیک و آرمانی مشخص می شود. خوشه دوم به شدت سیاسی است و نابرابری و بی عدالتی مربوط به گروه های اجتماعی مانند جنسیت، جوانان و معلولان بر آن حاکم است. این بخش نیازمند و وابسته به راه حل های سیاسی و اقتصادی کاربردی است. در دسته یا خوشه سوم، کرسی‌ها بر راه‌حل‌های فن آورانه برای پایداری زیست محیطی و مقابله با چالش های طبیعی آشکارا از منطق قطره چکانی نسبت به مزایا و برخورداری اجتماعی ناشی از آن پیروی می کند.

برنامه کرسی یونسکو مطابق با قطعنامه کنفرانس عمومی یونسکو در بیست و ششمین جلسه (۱۹۹۱) در سال ۱۹۹۲ تصویب کرد ، در سال ۱۹۹۲ تاسیس شد. این برنامه یونسکو به عنوان ابزاری اصلی برای افزایش ظرفیت های آموزش عالی و موسسات تحقیقاتی از طریق یک سیستم یکپارچه فعالیت های پژوهشی ، آموزشی ، اطلاعاتی و اسنادی مربوط به زمینه های مختلف عمل می کند. کرسی های یونسکو در همکاری بین اندیشمندان و پژوهشگران سطح بالای بین المللی در ایجاد ظرفیت های آموزش عالی و مراکز پژوهشی از راه تبادل و اشتراک دانش، در فضای همبستگی بین المللی برای توسعه و ارتقای همکاری های بین المللی دو و سه ساجنبه میان کشورهای توسعه یافته بیشتر برخوردار و کشورهای کمتر برخوردار و در حال توسعه به عنوان یک راهبردی و سازوکار بنیادین در ایجاد برابری و عدالت اجتماعی در مسیر توسعه پایدار تعریف شده است.

برنامه کرسی ها و شبکه دانشگاهی یونسکو با اجرای پروژه های مشترک بین المللی دانش بنیان راه های نوینی را در مسیر پیوستن به یونسکو و کمک به اجرای برنامه و موفقیت اهداف "توسعه هزاره" در پیش روی جامعه آموزش عالی و پژوهشی می گشاید. کرسی های یونسکو یکی از سازو کارهای عملیاتی در جهت ظرفیت سازی ممتاز در انتقال ، گرد آوری و بومی سازی دانش بهمراه روحیه همبستگی شبکه ای از واحدهای دانشگاهی و پژوهشی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه



است که در چهارچوب همکاری و مشارکت هدفمند و راهبردی سازمان های دولتی و غیردولتی و دیگر سازمانها ، بنیادها و جوامع در زمینه آموزش عالی تعریف می گردند.

کرسی های یونسکو بر اساس اصول "همکاری بین دانشگاهی، شبکه بین المللی و گفتگوی بین فرهنگی" طیف گسترده ای از رشته ها و موضوعات را پوشش می دهند. انعطاف ، پویایی و چابکی در ساختاری شبکه محور مبتنی بر خرد جمعی بین المللی از ویژگی های کرسی های یونسکو دربرکار گیری چرخه هوشمند برنامه های آموزشی و پژوهشی میان رشته ای و فرا رشته ای است. تا به امروز بیش از ۷۰۰ کرسی و شبکه بین دانشگاهی در ۱۲۸ کشور جهان از جمله ایران از ۵ قاره فعال می باشند. عملکرد دوسویه کرسی های یونسکو و شبکه های همزاد به عنوان "اتاق فکر" و "پل" بین جامعه دانشگاهی ، جامعه مدنی ، جوامع محلی و پژوهش و سیاست گذاری؛ همسو سازی کرسی های جدید یونسکو و شبکه های همزاد به عنوان راهبرد میان مدت یونسکو؛ تقویت همکاری های شمال-جنوب ، جنوب-جنوب و شمال-جنوب-جنوب؛ ایجاد قطب های خلاقیت و نوآوری در سطح منطقه ای یا زیر منطقه ای برای برخورد با چالش های پیش رو در مسیر توسعه؛ تقویت پویایی شبکه ها و هسته های مشارکت در پژوهش و فناوری؛ ترویج بیشتر شبکه های موضوعی کرسی های یونسکو ، افزایش اشتراک دانش و افزایش افق دید برنامه، از جمله جهت گیری های راهبردی نوین در برنامه شبکه آموزشی- پژوهشی همزاد در مسیر توسعه پایدار دانش بنیان و افزایش تاب آوری اجتماعی - اقتصادی در مقیاس ملی و منطقه ای و فرا منطقه ای در پاسخ به چالش های طبیعی و ژئوپلیتیکی انسان زاد بشمار می رود.

اگرچه گفتنی است به سبب راه اندازی برخی از کرسی های یونسکو قبل از تدوین اسناد توسعه ای سازمان ملل همچون سند توسعه ۲۰۳۰ و یا نبود همسانی حوزه های تخصصی آنها با موضوع "پایداری" از یک سو و نبود درک متقابل و ادبیات مشترک از مفاهیمی همچون نوآوری ، اشتراک منافع عمومی ، خرد جمعی و برابری در دسترسی به امکانات و شفافیت ساختاری، همچنان این تردید باقیست که کرسی های یونسکو بعنوان شبکه دانشگاهی همزاد موسوم به دانشگاه های نسل پنجم تا چه میزان در پاسخگویی به دستور کار سازمان ملل متحد در بحث "پایداری و تاب آوری" می توانند موفق باشند!

تا به امروز شیوه نامه و دستور ارائه شده در سند توسعه هزاره سازمان ملل متحد قانع کننده ترین درخواست برای تدوین یک پاسخ جامع به توسعه پایدار است. هماهنگی موثر مشارکت بدون مرز تضمین کننده موفقیت و کارایی کرسی و شبکه همزاد در نهایت تأثیرگذاری آن را در سطح ملی ، منطقه ای و بین المللی است. از اینرو در رسیدن به این مهم، بیراه نیست اگر دانشگاه ها و مراکز پژوهشی به طور کلی، و کرسی های یونسکو به طور خاص، در چارچوب شبکه همزاد از همکاری های علمی غیر تجاری، چشم در راه دریافت کمک های مالی، سخت افزاری و نرم افزاری در مقیاس ملی و بین المللی داشته باشند.